

تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تأکید بر برنامه هسته‌ای

ایران

زهرا الوندی - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر مهدی ذاکریان امیری - دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

دکتر سیدعبدعلی قوام - استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دکتر حمید احمدی - استاد گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸

DOR:20.1001.1.17354331.1400.17.2.9.2

چکیده

لابی‌گری اسرائیل در اتحادیه اروپا متفاوت از ایالات متحده و با اعطای قدرت از سوی نهادهای اتحادیه اروپا در طول بیست سال گذشته توسعه یافته است. روابط ایران و اتحادیه اروپا در هر دوره با برخی چالش‌های سیاسی نظیر برنامه هسته‌ای ایران دچار نوسان گردیده است. با توجه به اهمیت اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی، از این رو تأثیر لابی اسرائیل بر رفتار سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روابطش با ایران به ویژه در برنامه هسته‌ای آن می‌تواند حائز اهمیت باشد. روش‌شناسی این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران و روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اسرائیل با نفوذ نهادهای خود در پارلمان اروپا از طریق برگزاری نشست، کنفرانس، ملاقات با مقامات اروپایی، مصاحبه و انتشار مقاله و بیانیه علیه ایران توانسته حداکثر بهره‌وری از محور اختلاف برنامه هسته‌ای ایران به منظور پیشبرد اهداف خود و کاهش روابط ایران و اتحادیه داشته باشد. کنگره یهودیان اروپا و دوستان اروپایی اسرائیل به عنوان مهم‌ترین نهادهای لابی اسرائیل در بروکسل علیه ایران بیش‌ترین تأثیر را بر روابط ایران-اتحادیه اروپا در حوزه‌هایی نظیر عدم قالب‌بندی موافقت‌نامه جامع همکاری، تداوم لحن انتقادی اروپا نسبت به برنامه هسته‌ای و پرهیز سفر مقامات اروپایی به ایران تأثیر داشته است. اسرائیل با استفاده از ابزار

استراتژیک تبلیغات منفی علیه ایران در قالب ایران‌هراسی و برجسته نشان دادن برنامه هسته‌ای ایران به عنوان تهدیدی مخرب در منطقه و سطح بین‌الملل توانسته با نفوذ در پارلمان اروپا گروه‌ها و نهادهای لابی در اتحادیه اروپا تشکیل و مقاصد سیاسی و استراتژیکی خود را عملی سازد. مقاله‌ی حاضر، در پی بررسی تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران می‌باشد و تلاش می‌کند تا به سوال اصلی پاسخ دهد لابی اسرائیل با برجسته‌سازی تهدید برنامه هسته‌ای ایران برای اروپا در کاهش روابط سیاسی میان ایران و اتحادیه اروپا از طریق افزایش اعمال تحریم‌های شدید، اقدامات محدودکننده و تداوم لحن انتقادی اروپا در قالب قطعنامه و بیانیه نسبت به برنامه هسته‌ای ایران تأثیر داشته است.

واژه‌های کلیدی: لابی اسرائیل، جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا، تحریم، برنامه هسته‌ای ایران.

۱. مقدمه

تبیین لابی در قدرت بی‌همتای لابی اسرائیل نهفته است و محل تولدش در ایالات متحده آمریکا است. هسته‌ی اصلی لابی متشکل از یهودیان آمریکایی است که در هر رویدادی تلاش می‌کنند تا سیاست خارجی آمریکا را برای نیل به منافع اسرائیل هدایت کنند. به هر حال، لابی‌گری اسرائیل در اتحادیه اروپا متفاوت از ایالات متحده می‌باشد و همزمان با اعطای قدرت بیشتر از سوی نهادهای اتحادیه اروپا در طول بیست سال گذشته توسعه یافته و متفاوت از ایالات متحده می‌باشد و این در حالی است که گروه‌های ذینفع و لابی‌ها از زمان امضای معاهده رم در بروکسل فعال بوده‌اند. نفوذ لابی اسرائیل به اتحادیه اروپا دشوار به نظر می‌رسد زیرا از یک سو سیستم ثبت شفافیت از طریق نظارت کمیسیون و پارلمان اروپا ایجاد شده و ممکن است اجباری شود. از سوی دیگر برای لابی‌گرایان اسرائیلی نفوذ به پارلمان اروپا دشوار است زیرا نمایندگان آنها تحت فرمان حکومت‌های ملی‌شان هستند و پروسه معمول قانون‌گذاری، کار لابی‌گرایان را در بروکسل با مشکلاتی همراه می‌سازد اما این بدان معنا نیست که لابی‌های حامی اسرائیل در بروکسل اعمال نفوذ ندارند. هدف این پژوهش، بررسی لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران است. با توجه به اهمیت اتحادیه اروپا به عنوان یک بازیگر مهم بین‌المللی، از این رو تأثیر لابی اسرائیل بر رفتار سیاست خارجی اتحادیه اروپا در روابطش با ایران به ویژه در فعالیت برنامه هسته‌ای می‌تواند حائز اهمیت باشد. با توجه به اینکه پژوهش‌های لازم در

ارتباط با این موضوع تا کنون صورت نگرفته لذا واکاوی و بررسی میزان نفوذ و تأثیر لابی اسرائیل در عرصه روابط بین‌الملل به ویژه اتحادیه اروپا ضروری می‌باشد. اسرائیل با استفاده از ابزار استراتژیک تبلیغات منفی علیه ایران و برجسته نشان دادن برنامه هسته‌ای ایران به عنوان تهدیدی مخرب در منطقه توانسته نهادهای لابی در اتحادیه اروپا تشکیل و مقاصد سیاسی و استراتژیکی خود را عملی سازد. با توجه به اینکه لابی‌گری اسرائیل در اتحادیه اروپا متفاوت از ایالات متحده می‌باشد، پرسش‌های فرعی دیگری نیز مطرح می‌شود که از مهمترین آنها چگونگی تشکیل نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا است و اینکه لابی اسرائیل در چه بخشی از روابط ایران و اتحادیه اروپا بیشترین تأثیر را داشته است. بررسی این موضوع و پاسخگویی به سوالات اصلی و فرعی پژوهش بدون مبانی نظری امکان‌پذیر نیست. به عبارت دیگر پرداختن به سوالات و طرح فرضیه، نیاز به چارچوب مفهومی دارد تا بر اساس آن امکان نظریه‌پردازی و تبیین تحولات مربوط به لابی اسرائیل میسر شود. رویکرد نظری مقاله حاضر، بر اساس چارچوب نظری سازه‌انگاری مورد بررسی قرار گرفته و این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. در این مقاله تلاش می‌شود به سوال اصلی، تحقیق لابی اسرائیل در قبال ایران به عنوان متغیر مستقل و روابط ایران و اتحادیه اروپا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران به عنوان متغیر وابسته به بحث پرداخته شود.

۲. روش تحقیق

روش‌شناسی این تحقیق در راستای بررسی تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران، روش توصیفی-تحلیلی می‌باشد. مطابق روش مذکور، نحوه تکوین تهدید بر روابط ایران و اتحادیه اروپا و تأثیر و نفوذ لابی اسرائیل در این زمینه مورد نظر است. اروپا با افزایش نفوذ و قدرت ایران به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای، آن را به منزله تهدیدی در منطقه می‌داند و اسرائیل با تقویت و نفوذ نهادهای لابی خود در پارلمان اروپا، این برساختگی هویت ایران را به عنوان تهدیدی در نظر اروپائیان تشدید می‌کند. به طور کلی لابی‌گری اسرائیل علیه ایران با برجسته‌سازی تهدید ایران برای اروپا در کاهش روابط سیاسی میان ایران و اتحادیه اروپا در حوزه‌هایی همچون عدم قالب‌بندی روابط در چارچوب موافقت‌نامه جامع همکاری،

پرهیز مقامات ارشد اروپایی از سفر به ایران و تداوم لحن انتقادی اروپا نسبت به برنامه هسته‌ای ایران تاثیر داشته است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

تاکید بر مولفه‌های هویت دولت‌ها، ایدئولوژی، ارزش و انگاره‌ها، همبستگی ساختار و کارگزار و همچنین منافع و عناصر مادی نظیر قدرت نظامی و هسته‌ای، روابط تجاری، نهادهای بین‌المللی و ترجیحات داخلی به دلیل ماهیت عینی آنها از دلایل عمده‌ی برگزیدن تئوری سازه‌انگاری سیستمیک^۱ از منظر الکساندر ونت به عنوان چارچوب نظری در موضوع تحقیق تاثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با تاکید بر برنامه هسته‌ای ایران می‌باشد. دلیل انتخاب این نوع سازه‌انگاری، رفتار بازیگران نظیر ایران، اتحادیه اروپا و اسرائیل در ساختی اجتماعی و در ارتباط با یکدیگر در نظام بین‌الملل می‌باشد. هویت دولت‌ها نتیجه برساخته اجتماعی و امری پیش‌ساخته نیست بلکه در فرآیند اجتماعی-سیاسی شکل می‌گیرد. بر اساس نظریه‌ی ونت، ساختار در هر سیستم اجتماعی شامل عناصر مادی، منافع و ایده‌ها می‌باشد. با توجه به اهمیت عناصر مادی، مادیات بخشی از منافع را تشکیل و بخشی دیگر از منافع توسط ایده‌ها تشکیل می‌شود. ایران به دلیل اهمیت موقعیت استراتژیک، ژئوپلیتیک و برخی ابعاد هنجاری سیاست خارجی آن، در مرکز فشار در منطقه و عرصه بین‌الملل قرار دارد و نهادهای لابی اسرائیل همواره در صدد هستند تا با نشان دادن ایران به عنوان تهدید وجودی و بسط ایران‌هراسی در اروپا، میزان روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا را کاهش دهند که متعاقباً در روابط اقتصادی و تجاری می‌تواند تاثیر داشته باشد. اسرائیل در سال‌های اخیر در تلاش بوده که فعالیت برنامه هسته‌ای ایران را تهدیدی وجودی در خاورمیانه نشان دهد و پیشنهاد تحریم‌های اقتصادی-تجاری و اقدامات محدودکننده مالی و تحریم نفت از مواردی بوده که در دستور کار لابیگران اسرائیلی در نهادهای لابی مستقر در بروکسل قرار داشته است. در ادامه اتحادیه اروپا در روابط خود با ایران همواره با تاکید قرار دادن اصول و ارزش‌های دموکراسی و گفت‌وگو برتر خود نسبت به ایران در

1. Systemic Constructivism

2. Material Conditions, Interests and Ideas

سیستم بین‌الملل، خواستار تطابق هویت ایران با هنجارها و معیارهای استاندارد بین‌المللی بوده و پیداست که برخی هنجارها و ارزش‌های ایدئولوژیکی ایران از قبیل عدم شناسایی اسرائیل از دیدگاه اتحادیه اروپا مغایر با ارزش‌های دموکراسی تعریف شده از سوی اروپا است. همچنین در سازه‌انگاری ونت این نکته متذکر می‌شود که تهدید می‌تواند روی روابط اجتماعی دولت‌ها و بازیگران و هویت آنها تاثیر بگذارد و گاهی ممکن است این تاثیر از جانب بازیگران غیردولتی باشد اما در نهایت هر تغییری از طریق دولت اصلی امکان‌پذیر است. سازه‌انگاران اهمیت قدرت استدلالی یا برهانی^۱ (دانش، ایده‌ها، فرهنگ، زبان و ایدئولوژی) را مانند قدرت مادی شناسایی می‌کنند. قدرت استدلالی با بازتولید معانی بین‌اذهانی کار می‌کند و چگونگی ساختار مادی، هویت دولت‌ها، روابط دولت‌ها با یکدیگر و هر واقعیت (فاکت) اجتماعی که باید تعریف شود را تقویت می‌کند (Nugroho, 2008).

ونت در کتاب تئوری اجتماعی سیاست بین‌الملل^۲ با مثالی مفهوم دوست و دشمن دولت‌ها نسبت به یکدیگر را تبیین می‌کند. بدین گونه بریتانیا با پانصد سلاح هسته‌ای نسبت به کره شمالی با پنج سلاح هسته‌ای با تهدید بین‌المللی کمتری همراه است زیرا بریتانیا جزء دوستان است اما در مورد کره شمالی صادق نیست (Wendt, 1999:73).

با توجه به محور موضوع تحقیق می‌توان بدین گونه تعمیم داد که بر اساس گزارش موسسه بین‌المللی تحقیقات صلح استکهلم^۳، اسرائیل کلاهک‌های هسته‌ای خود را به ۹۰ رسانده، درحالی که اسرائیل همچنان سیاست قدیمی خود مبنی بر سکوت درباره زرادخانه هسته‌ای‌اش ادامه می‌دهد. با این حال اتحادیه اروپا از داشتن نزدیک به صد کلاهک هسته‌ای اسرائیل در منطقه آگاهی دارد اما فعالیت برنامه هسته‌ای ایران زیر نظارت آژانس بین‌المللی اتمی با وجود امضاء پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای به عنوان چالش و تهدیدی وجودی در منطقه دانسته و نهادهای فعال لابی اسرائیل علیه ایران در اتحادیه اروپا در جهت تقویت این چالش بی‌تاثیر

1. Discursive Power

2. Social Theory of Interational Politics

3. Stockholm International Peace Research Institute (Fars News, 17.June.2019)

نبوده‌اند.

۴. یافته‌های پژوهش

نهادهای فعال اسرائیل علیه سیاست ایران در اتحادیه اروپا شامل کنگره یهودیان اروپا،^۱ دوستان اروپایی اسرائیل،^۲ موسسه فرا آتلانتیک کمیته یهودیان آمریکا،^۳ ابتکار عمل دوستان اسرائیل^۴ و بنیاد اروپایی برای دموکراسی^۵ می‌باشند. کنگره یهودیان اروپا که مقر آن در بروکسل است به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای فعال لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا محسوب می‌شود که مبارزه با یهودستیزی، زنده نگه‌داشتن هولوکاست و حمایت یهودیان در سراسر اروپا از اهداف اصلی این نهاد می‌باشد. نهاد دیگری که اخیراً قدرت زیادی بدست آورده، دوستان اروپایی اسرائیل است و توسط بسیاری از اعضای حامی اسرائیل در پارلمان اروپا و نمایندگان کشورهای عضو در سال ۲۰۰۶ تاسیس شد. این نهاد یکی از پرنفوذترین نهادهای لابی اسرائیل در بروکسل است و مطابق پیرو روش آپیک، نمایندگان منتخب پارلمان اروپا را مورد هدف قرار می‌دهد (Oborne, 2012).

موسسه فرا آتلانتیک کمیته یهودیان یکی از نهادهای شبکه‌ای و تحت نظارت کمیته یهودیان آمریکا اداره و تامین مالی می‌شود که با هدف نفوذ به قلب اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۴ و همچنین بنیاد اروپایی برای دموکراسی به عنوان سازمان حامی اسرائیل در سال ۲۰۰۵ تاسیس گردید. بنیاد اروپایی برای دموکراسی نوعی اتاق فکر در اتحادیه اروپا است که دارای خبرنگارهای به نام ایران مانیتور است و به طور مداوم تحولات داخلی و بین‌المللی ایران به ویژه برنامه هسته‌ای و مواضع منطقه‌ای ایران را رصد می‌کند (Cronin et al, 2016, 16-40).

نهاد دوستان اروپایی اسرائیل جزء اولین نهادهای لابی اسرائیل در پارلمان اروپا بود که فعالیت خود را در پارلمان اروپا علیه ایران شروع کرد. از آنجائیکه برنامه هسته‌ای ایران یکی از چالش‌های

-
1. European Jewish Congress
 2. European Friends of Israel, EFI
 3. American Jewish Committee, AJC Transatlantic Institute
 4. Friends of Israel Initiative, FII
 5. European Foundation for Democracy, EFD
 6. European Jewish Congress's Site, 2019

اصلی اختلاف ایران و اتحادیه اروپا بود، از این رو نهاد دوستان اروپایی اسرائیل اولین بار در سال ۲۰۰۳ با میزبانی نشست در پارلمان اروپا با حضور رووین ریولین (سخنگو و عضو کنست) و اعضای پارلمان اروپا تلاش خود را در متوقف ساختن برنامه هسته‌ای ایران نمودند. نهاد دوستان اروپایی اسرائیل در تمامی نشست‌ها در خصوص تهدید فعالیت‌های مداوم هسته‌ای ایران هشدار می‌دادند و بر افزایش اعمال تحریم‌های اقتصادی بر ایران اصرار می‌ورزیدند. رووین ریولین تا سال ۲۰۰۶ به طور مداوم در نشست‌های سالانه پارلمان اروپا با میزبانی دوستان اروپایی اسرائیل حضور داشت (Yildiz, 2014).

تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپا علیه فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۶ شروع شد. اتحادیه اروپا طیف گسترده‌ای از تحریم‌ها نظیر محدودیت‌های نظامی، تجاری، مالی و اقداماتی در بخش حمل و نقل را بر ایران اعمال نمود. پارلمان اروپا در قطعنامه‌ی ۸ فوریه ۲۰۰۶ با شماره B6-0106/2006 امیال دفاعی مقامات ایرانی و غنی‌سازی اورانیوم (بند ۳)، را به شدت محکوم کرد. در این راستا شورای اروپا در امتداد قطعنامه شورای امنیت با شماره ۱۶۹۶ (۳۱ جولای ۲۰۰۶) در خصوص تحریم برخی سازمان‌های ایرانی در زمینه‌ی نظامی موضعی مشترک اتخاذ نمود (Argano, 2018).

کنگره یهودیان اروپا علیه فعالیت برنامه هسته‌ای ایران بسیار فعال عمل کرده است. به طور مثال رئیس وقت کنگره یهودیان اروپا، پی‌یر بسناینو^۳ ملاقاتی با متی ونهانه^۴ رئیس اتحادیه اروپا (نخست‌وزیر فنلاندی)، در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۶ به منظور اهمیت تهدید برنامه هسته‌ای ایران برنامه‌ریزی نمود و محوریت موضوع بر نگرانی برنامه هسته‌ای ایران، تهدیدات پایان‌ناپذیر ضداسرائیلی ایران و اشاعه ترویج یهودستیزی در اروپا، متمرکز بود. از نتایج این ملاقات، افزایش تحریم‌های نظامی و اقتصادی علیه ایران تشدید شد. به موازات فعالیت‌های مختلف نهادهای لابی، شورای اروپا موضعی مشترک با شورای امنیت در راستای قطعنامه ۱۷۳۷ (۲۳ دسامبر ۲۰۰۶)

1. B6-0106/2006

2. Motion for a Resolution: 6.Feb.2006

3. Pierre Besnainou

4. Matti Vanhanen

در خصوص تحریم برخی شرکت و سازمان‌های ایرانی اتخاذ نمود (Cook,2008:74-75). در ادامه دوستان اروپایی اسرائیل کنفرانسی با عنوان تحریم‌های اقتصادی علیه ایران (۷ مارس ۲۰۰۷) با هدف اخذ رای مثبت و متقاعد نمودن اعضای پارلمان به اعمال تحریم‌های خشن‌تر علیه ایران برگزار نمودند. سیمون اندرسون از موسسه خاور نزدیک واشنگتن، به عنوان یکی از اعضای اتاق فکر حامی اسرائیل در این کنفرانس سخنرانی نمود و تاکید داشت دولت ایران، بمب‌گذاران انتحاری برای ماموریت‌هایی نظیر حمله به اروپا آموزش می‌دهد و قصد نابودی دموکراسی لیبرال را دارند که این امر با تسلیحات هسته‌ای راحت‌تر محقق می‌شود و با موشک‌های بالستیک BM-25 با برد ۳۵۰۰ کیلومتر قادر است اروپای شرقی و آلمان را هدف قرار دهد. از این رو، علاوه بر موضع مشترک شورای اروپا در امتداد قطعنامه ۱۷۴۷ (۲۴ مارس ۲۰۰۷) شورای امنیت، می‌توان به اعمال تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپا علیه ایران در قالب لیستی از افراد و سازمان‌های ایرانی (صنایع نظامی و الکترونیکی) در تاریخ ۲۳ آوریل ۲۰۰۷ اشاره کرد (Alcaro,2018 :245).

همچنین پارلمان اروپا قطعنامه‌ای با نام وضعیت ایران با شماره P6_TA(2008)0031 مورخ ۳۱ ژانویه ۲۰۰۸ تصویب و فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران و غنی‌سازی اورانیوم را به شدت محکوم کرد.^۱ در ادامه پی‌یر بسناینو، رئیس سابق کنگره یهودیان اروپا و لایبگر فعال اسرائیل در اتحادیه اروپا در پی سفری به اسلوونی ۸ آوریل ۲۰۰۸ در مصاحبه‌ی تلفنی با آسوشیتدپرس تحریم‌های اقتصادی اعمال شده از سوی اتحادیه اروپا بر ایران را کافی ندانست و اظهار داشت تحریم اقتصادی شدیدتری باید بر ایران اعمال شود به گونه‌ای که ارتباطات اقتصادی-تجاری اتحادیه با ایران متوقف شود و با توقف کامل ارتباط تجاری، ایران مجبور به توقف غنی‌سازی اورانیوم شود. نکته جالب آن است یک روز بعد از این سفر ارتقاء روابط دوجانبه و گسترده‌تری بین اسرائیل و اتحادیه اروپا تصویب شد.^۲ متعاقب فعالیت‌های گسترده نهادهای لابی اسرائیل، تحریم‌های اقتصادی شدیدتری از سوی اتحادیه اروپا بر ایران، ژوئن ۲۰۰۸ اعمال گردید و

1. European Parliament Resolution: Feb.2006
2. EJC' Meetings, 2008

برقراری روابط گسترده با ایران را منوط به شفافیت و اعتمادسازی برنامه هسته‌ای ایران دانست و صدور هر گونه فناوری هسته‌ای به ایران از طریق کشورهای عضو را ممنوع اعلام کرد (Pardo,2009:26).

علاوه بر مواضع مشترک اتحادیه اروپا در امتداد قطعنامه‌های ۱۸۰۳ (۳ مارس ۲۰۰۸) و ۱۸۳۵ (۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸) شورای امنیت، می‌توان به اعمال تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپا علیه تعدادی از شرکت‌ها و سازمان‌های ایرانی (۲۲ مورد) و افراد ایرانی (۱۵ نفر) از تاریخ ۱۱ مارس و ۲۳ ژوئن اشاره نمود. ضمناً تصویب تحریم صنایع کشتیرانی و شیلات ایران توسط وزیران کشاورزی کشورهای اروپایی در نشست اعضای اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۴ ژوئن ۲۰۰۸ به چشم می‌خورد (Katzman,2019:75).

در ادامه اقدامات رئیس‌کنگره یهودیان اروپا، افتتاح دفاتری در بروکسل (۱۲ اکتبر ۲۰۰۹) با حضور ۵۰ نفر از اعضای پارلمان و کمیسیون اروپا یکی دیگر از فعالیت‌های اساسی این کنگره بود. هدف از افتتاح دفاتر بروکسل، برگزاری جلسات مکرر با مقامات بلندپایه اروپایی بوده و دستور جلسات با اولویت تهدید برنامه هسته‌ای ایران و فشار تحریم‌های اقتصادی شدیدتر علیه ایران بود! در این راستا کشورهای فرانسه و انگلیس به طور انفرادی پیشنهاد تحریم اقتصادی علیه ایران را در نشست پارلمان اروپا (دسامبر ۲۰۰۹) مطرح کردند و فاز سوم تحریم‌های مستقل اتحادیه علیه ایران از ۲۰۱۰، شروع شد (Seeberg,2016).

لازم به ذکر است که اتحادیه اروپا دو بیانیه، یکی از سوی پارلمان (ژانویه ۲۰۱۰) و دیگری از سوی نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا (۱۹ ژانویه ۲۰۱۰) با تأکید بر توقف برنامه هسته‌ای ایران و غنی‌سازی اورانیوم صادر کرد. متعاقباً از سوی پارلمان اروپا قطعنامه‌ای به نام وضعیت ایران (۱۰ فوریه ۲۰۱۰) تصویب شد که بند ۱۷-۱۴ اشاره به توقف تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران و غنی‌سازی اورانیوم بر اساس تعهدات پیمان منع سلاح‌های کشتار جمعی داشت. در این راستا کاترین اشتون بیانیه‌ی دیگری (۲۱ می ۲۰۱۰) مبنی بر توقف تداوم فعالیت‌های

1.EJC'Events,2009

2.P7_TA(2010)0016

3.EU,A85/10, SPEECH/10/4

هسته‌ای ایران به دلیل حساسیت موضوع صادر نمود.^۱ با شروع فاز سوم تحریم‌های اتحادیه اروپا، رئیس‌کنگره یهودیان اروپا بیانیه‌ای مبنی بر هشدار جدی در راستای تهدید برنامه هسته‌ای ایران (۹ ژوئن ۲۰۱۰) منتشر نمود و کمپینی به منظور مخالفت با هر گونه رفع تحریم اقتصادی و نظامی علیه ایران در اروپا راه اندازی کرد و پیشنهاد اعمال تحریم شدیدتری از سوی اتحادیه اروپا علیه تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران را مطرح نمود.^۲ در ادامه اتحادیه اروپا با تصویب قطعنامه‌ی شورای امنیت با شماره ۱۹۲۹ (۹ ژوئن ۲۰۱۰) موضع مشترکی در امتداد تحریم‌های شورا اتخاذ نمود و متعاقباً تحریم برخی از سازمان‌ها (۵۹ مورد) و افراد ایرانی (۶ نفر)، ۱۸ ژوئن و ۲۶ جولای ۲۰۱۰ اجرایی گردید (Katzman, 2019: 80).

در راستای فعالیت‌های نهادهای لابی، گروه دوستان اروپایی اسرائیل، دومین کنفرانس سیاسی خود را با محوریت تهدید وجودی ایران و گروه‌های شبه‌نظامی در تاریخ ۷-۴ فوریه ۲۰۱۱ در اورشلیم برگزار نمودند. در این رویداد ۱۲۰ نفر از اعضای پارلمان اروپا (یک ششم کل اعضا) و ۴۰۰ نفر از سیاستمداران ملی اروپا حضور یافتند. شیمون پرز و نتانیا هو به عنوان سخنرانان کلیدی، ایران و گروه‌های شبه‌نظامی (حماس و حزب الله) را بزرگ‌ترین تهدید نه تنها برای اسرائیل بلکه به عنوان تهدیدی برای ارزش‌های دموکراسی غرب دانستند (Yildiz, 2014).

با توجه به روند پرشتاب اتحادیه اروپا مبتنی بر تحریم و اقدامات محدودکننده علیه ایران، پارلمان اروپا با تصویب قطعنامه‌ای با عنوان رویکرد اروپا نسبت به ایران (۱۰ مارس ۲۰۱۱)، تداوم فعالیت برنامه هسته‌ای ایران و غنی‌سازی اورانیوم را به ویژه در بندهای ۳۸-۴۸ به شدت محکوم کرد و اعمال تحریم بر افراد ایرانی در ارتباط با برنامه بالستیک و هسته‌ای ایران و بلوکه کردن اموال‌شان در بند ۴۷ قطعنامه مورد تاکید قرار داد. در این راستا اتحادیه اروپا علاوه بر موضع مشترک با تصویب قطعنامه‌ی شورای امنیت با شماره ۱۹۸۴ (۹ ژوئن ۲۰۱۱) مبتنی بر تحریم‌های شورا علیه برنامه هسته‌ای ایران، با اجرای تحریم مصوب شورای اروپا، تعدادی از ارگان‌ها و افراد ایرانی را در تاریخ ۲۳ می و ۱ دسامبر ۲۰۱۱ مورد هدف قرار داد (Sanctions Tally - EU, 2019).

1. Europa-Press Releases, Jan. 2010

2. EJC'S Statement, 2010

موشه کانتور، رئیس کنگره یهودیان اروپا طی ملاقات با وزیران خارجی اتحادیه اروپا (۲ دسامبر ۲۰۱۱) در بروکسل پیشنهاد تحریم صنعت نفتی ایران را مطرح نمود که این درخواست با توجه به اهمیت منافع اتحادیه اروپا در زمینه تامین انرژی، توسط اکثریت اعضای پارلمان اروپا مورد تصویب قرار نگرفت.^۱ در ادامه‌ی روند مستمر تحریم ایران از سوی اتحادیه اروپا، انگلیس بیشترین استقبال را از بایکوت نفت ایران کرد و مجموعه جدیدی از تحریم‌های غیرمترقبه از سوی وزیران خارجه اتحادیه اروپا (ممنوعیت‌های نفتی) در تاریخ ۲۳ ژانویه ۲۰۱۲ با هدف توقف برنامه هسته‌ای بر ایران اعمال شد. در واقع فاز چهارم تحریم ایران از سوی اتحادیه اروپا با تحریم نفت و گاز (انرژی) ایران شروع شد. همچنین تحریم کالا و تجهیزات مربوط به فعالیت‌های آب سنگین و توسعه سلاح هسته‌ای از سوی اتحادیه اروپا (۲۴ فوریه ۲۰۱۲) علیه ایران اعمال شد و با تصویب قطعنامه‌ی شورای امنیت با شماره ۲۰۴۹ (۷ ژوئن ۲۰۱۲)، اتحادیه اروپا موضع مشترکی در امتداد تحریم شورا علیه فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران اتخاذ نمود (Seeberg, 2016). دوستان اروپایی اسرائیل کنفرانسی با عنوان تهدید و پیامدهای فاجعه بار برنامه هسته‌ای ایران به منظور بروزرسانی اطلاعات اعضای پارلمان و مقامات ارشد سیاسی اتحادیه اروپا، ۱ فوریه ۲۰۱۲ در بروکسل برگزار نمودند و بیش از نود نفر از اعضای پارلمان اروپا، مشاوران و فعالان سیاسی اروپا حضور داشتند. از نتایج کنفرانس، پیشنهاد دوستان اروپایی اسرائیل مبنی بر افزایش شدت تحریم اقتصادی گسترده‌تر علیه ایران بود که مورد موافقت اکثریت اعضا قرار گرفت. قابل ذکر است پارلمان اروپا قطعنامه‌ای با عنوان ایران و برنامه هسته‌ای‌اش، تاریخ ۲ فوریه ۲۰۱۲ تصویب نمود^۲ و متعاقباً اعمال تحریم‌های جدیدی از سوی اتحادیه اروپا در جولای ۲۰۱۲ و ۱۵ اکتبر ۲۰۱۲ اجرا گردید. دوستان اروپایی اسرائیل، کنفرانس دیگری با عنوان افسانه و واقعیت: اتحادیه اروپا و خاورمیانه^۳، علیه برنامه هسته‌ای ایران با حضور بیش از ۳۰۰ نفر از اعضای پارلمان اروپا، مشاوران سیاسی و اتاق فکر دوستان اروپایی اسرائیل در تاریخ ۲۲

1. EJC' Statement, 2011

2. P7_TA(2012)0024

3. Myths and Reality : European Union and Middle East

ژانویه ۲۰۱۳ در پارلمان اروپا برگزار کردند. اکثر سخنرانان کلیدی کنفرانس نظیر اورن کسلر^۱ (پژوهشگر خاورمیانه از انجمن هنری جکسون) و پیتر نیومن^۲ (مدیر مرکز کینگز کالج لندن برای مطالعات بنیادگرایی)^۳ از حامیان نئومحافظه‌کار اسرائیل بودند. در امتداد فعالیت‌های دوستان اروپایی اسرائیل، این نهاد ملاقات حضوری شیمون پرز با مارتین شولز رئیس پارلمان اروپا را در تاریخ ۶ مارس ۲۰۱۳ برنامه‌ریزی نمود و در این جلسه با محوریت موضوعاتی نظیر تهدید برنامه هسته‌ای ایران و تقویت روابط استراتژیک بین اتحادیه اروپا-اسرائیل می‌توان اهمیت فعالیت هسته‌ای را ایران از دیدگاه نهادهای لابی را درک کرد (Cronin et al,2016:64).

موشه کانتور، ضمن نامه‌ای رسمی به مارتین شولز، رئیس پارلمان اروپا در مورد منع سفر اعضای پارلمان اروپا به ایران، فراخوانی به همه‌ی مقامات ارشد اتحادیه اروپا در تاریخ ۲۲ اکتبر ۲۰۱۲ ارسال نمود. بر اساس محتوای فراخوان، منع سفر مقامات اروپایی به ایران تاکید شده بود زیرا ملاقات‌های دو جانبه‌ی ایران و اتحادیه اروپا را به منزله‌ی صحنه‌ی بر مشروعیت فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران می‌دانستند و این در حالی بود که ایران را تهدید وجودی و صلح و امنیت جهانی قلمداد می‌کردند. همچنین در این بیانیه، پیشنهاد تشدید تحریم‌های اقتصادی-تجاری ایران از سوی اتحادیه را مطرح و بر تسریع اعمال تحریم‌ها تاکید نمودند.^۴ همچنین دنیل شوامنتال مدیر موسسه فرا آتلانتیک کمیته یهودیان آمریکا در جلسه‌ای با اعضای پارلمان اروپا در تاریخ ۲۰ مارس ۲۰۱۳ با تمرکز بر فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران و راه‌هایی برای مقابله با تهدید وجودی ایران سخنرانی نمود و ایران را عامل اصلی بی‌ثباتی در منطقه دانست. در این راستا اتحادیه اروپا موضع مشترکی با تصویب قطعنامه‌ی شورای امنیت با شماره ۲۱۰۵ (۵ ژوئن ۲۰۱۳) در امتداد تحریم‌های شورا علیه برنامه هسته‌ای

1. Oren Kessler

2. Peter Neumann

3. Kings College London's Center for the Study of Radicalization

4. Martin Schulz

5. EJC' Media, 2012

ایران اتخاذ نمود^۱(AJC Transatlantic Institute' Site 2013).

از طرفی موشه کاتور، رئیس کنگره یهودیان اروپا نشستی در پارلمان اروپا به منظور تکمیل جلسات برگزار شده در مورد تهدید هسته‌ای ایران با مقامات عالی اتحادیه اروپا در تاریخ ۲ جولای ۲۰۱۳ برنامه‌ریزی کرد. این نشست با حضور هانس گرت پوترینگ^۲ (رئیس پارلمان اروپا)، بنیتا والدنر^۳ (رئیس کمیسیون اروپا)، ژاکس باروت^۴ (کمیسیونر روابط خارجی اروپا و طرح سیاست همسایگی)، ژوئل روبینفلد^۵ (رئیس جامعه یهودیان بلژیک) و سرگی کواژنبوم^۶ (دبیر کل کنگره) تشکیل شد که نتیجه‌ی آن تاکید بر اعمال تحریم اقتصادی فلج‌کننده علیه ایران بود.^۷ همچنین نشستی با میزبانی بنیاد اروپایی برای دموکراسی و سخنرانی مارک دوبوویتز^۸ (عضو ارشد بنیاد دفاع دموکراسی و از طرفداران سفت و سخت تحریم‌های اقتصادی - تجاری علیه ایران) در تاریخ ۱۶ آوریل ۲۰۱۳ در پارلمان اروپا برگزار شد و بر ضرورت اعمال تحریم‌های شدید اقتصادی علیه ایران تاکید کردند. در گزارش بخش اقدامات خارجی اتحادیه اروپا (۱۹ نوامبر ۲۰۱۳) نگرانی عمیق خود را نسبت به تداوم فعالیت برنامه هسته‌ای ایران اعلام و امتناع ایران از تعهدات بین‌المللی را محکوم نمود.^۹ در این راستا نشست دیگری با هماهنگی بنیاد اروپایی برای دموکراسی در پارلمان اروپا با حضور برونو تراترایس^{۱۰} (پژوهشگر فرانسوی، فعال سیاسی و عضو مرکز استراتژی دریایی دانشگاه حیفا) و جمعی از اعضای پارلمان اروپا و مقامات بلند پایه سیاسی اروپایی (۴ دسامبر ۲۰۱۳) برگزار شد. محور اصلی این نشست پیرامون تاثیر تحریم‌های شدید بر ایران، توقف فعالیت‌های برنامه هسته‌ای ایران و غنی‌سازی اورانیوم بود (European Foundation for Democracy, 2013).

1. AJC Transatlantic Institute' Site 2013

2. Hans-Gert Pottering

3. Benita Waldner

4. Jacques Barrot

5. Joel Robinfeld

6. Serge Cwajgenbaum

7. EJC' Events, 2013

8. Mark Dubowitz

9. European Union External Action 131219/04

10. Bruno Tertrais

قابل ذکر است تصویب تحریم شورای اروپا علیه فعالیت هسته‌ای ایران (۱۶ دسامبر ۲۰۱۳) و تصویب قطعنامه‌ی پارلمان اروپا علیه ایران (۳ آوریل ۲۰۱۴) شدت گرفت و در این قطعنامه تداوم فعالیت برنامه هسته‌ای ایران را محکوم نمود. همچنین تحریم مصوب شورای اروپا علیه ایران در تاریخ ۸ نوامبر ۲۰۱۴ تعدادی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی مورد هدف قرار داد. ضمناً اتحادیه اروپا با تصویب قطعنامه‌ی شورای امنیت با شماره ۲۱۵۹ (۹ ژوئن ۲۰۱۴) موضع مشترکی در امتداد تحریم شورا علیه ایران اتخاذ نمود (Sanctions Tally – EU, 2019).

نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا حتی زمانی که بنظر می‌رسد توافق برنامه هسته‌ای ایران با گروه پنج به علاوه یک در حال رسیدن به نتایج مثبتی است، از فعالیت‌های خود علیه ایران کوتاه نیامدند و پیش از توافق برجام گروه ابتکار دوستان اسرائیل با انتشار دو مقاله سیاسی علیه توافق هسته‌ای ایران (مارس ۲۰۱۵) به اتحادیه اروپا هشدار دادند. در اولین مقاله دور گولد، رئیس مرکز امور عمومی اورشلیم تلاش نمود تا نشان دهد که هدف ایران، تسلط بر خاورمیانه است. دومین مقاله به نوشته اشموئل بار مدیر مطالعات موسسه سیاست و استراتژی در مرکز مطالعات میان رشته‌ای هرزلیا بود. اشموئل بار با پیش‌بینی عواقب فاجعه بار برنامه هسته‌ای ایران در منطقه معتقد بود که سناریوی چند هسته‌ای خاورمیانه نه تنها نسبت به هر توافق دیگر، بدترین سناریو است بلکه دارای بالاترین احتمال خطر نیز می‌باشد (Cronin et al, 2016: 64).

بعد از توافق هسته‌ای ایران با قدرت‌های پنج به علاوه یک، اسرائیل با اعلام مخالفت صریح خود نسبت به این توافق، اعلام کرد که این اقدام یک اشتباه بسیار بزرگ است و ترامپ بعد از به قدرت رسیدن به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا همواره این توافق را به ضرر آمریکا و تقویت جایگاه منطقه‌ای ایران می‌دانست (Barzgar et al, 2018).

از طرفی دیگر موشه کانتور رئیس‌کنگره یهودیان اروپا بیانیه‌ای در راستای مخالفت شدید کنگره با توافق هسته‌ای ایران (۱۴ جولای ۲۰۱۵) صادر نمود و ایران را بزرگترین اسپانسر تروریسم در

1.P7_TA(2014)0339

2.Dore Gold

3.Shmuel Bar

4.Poly nuclear

منطقه و توافق هسته‌ای را به منزله‌ی جایزه‌ی بنیادگرایی و تسلیم غرب در برابر ایران قلمداد نمود. در بیانیه‌ی رئیس‌کنگره، توافق هسته‌ای ایران را به منزله‌ی ارسال پیام به رژیم‌های یاغی همسایه مبنی بر تشویق تداوم سرکشی و دریافت پاداش دانست و از تلاش‌های اتحادیه اروپا و آمریکا برای دستیابی به این توافق شدیداً ابراز تاسف و ناامیدی نمود (EJC'Statement:2015).

۵. تجزیه و تحلیل

در این مقاله تلاش می‌شود چگونگی تأثیر نهادهای لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با محوریت برنامه هسته‌ای تبیین گردد. نهادهای لابی با استفاده از محورهای اختلاف ایران و اتحادیه اروپا نظیر برنامه هسته‌ای ایران توانسته‌اند حداکثر بهره‌برداری را در راستای اهداف سیاسی خود داشته باشند. برنامه هسته‌ای ایران به لحاظ امنیتی از حساسیت خاصی نزد اسرائیل برخوردار است. این نکته قابل توجه است که یکی از بزرگ‌ترین اهداف سیاست خارجی اسرائیل ایجاد و حفظ موجودیت و گسترش ارضی‌اش است (Eslami et al,2019).

اسرائیل با نزدیک شدن به غرب تلاش نموده تا فرهنگ خود را دموکراتیک لیبرال نشان دهد و بر جداسازی فرهنگی اسرائیل بر اعراب در خاورمیانه تأکید دارد و با ارائه فرهنگ مشابهی با غرب علیرغم برخی مسائل فرایند صلح خاورمیانه توانسته همکاری دوجانبه و چندجانبه‌ای را با اتحادیه اروپا برقرار سازد. در این راستا بر اساس نظریه‌ی هانتینگتون تنش و برخورد میان جهان غرب و اسلام را بهتر درک نمود (Hafeznia et al,2014).

نهادهای فعال لابی اسرائیل با نفوذ به قلب اتحادیه اروپا در بروکسل به دلیل موقعیت استراتژیک آن، سعی در پیش بردن منافع خود داشته‌اند و با توجه به اینکه پارلمان اروپا یکی از مهم‌ترین ارکان تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا است همواره مورد هدف نهادهای لابی بوده است. ابتدا مواردی که تقریباً در اکثر فعالیت‌های لابی اسرائیل علیه ایران قابل توجه است، تحلیل می‌شود. اکثر نشست و کنفرانس‌ها با هماهنگی و برنامه‌ریزی نهادهای لابی اسرائیل نظیر دوستان اروپایی اسرائیل و کنگره یهودیان اروپا با حضور رئیس و اعضای پارلمان اروپا برگزار شده که بالاترین سطح تصمیم‌گیری در اتحادیه اروپا است. همچنین در جریان سفرهای روسای نهادهای لابی اسرائیل به کشورهای اروپایی به منظور انجام فعالیت‌هایی علیه ایران، آن کشور اروپایی مسئولیت

ریاست دوره‌ای اتحادیه اروپا را عهده‌دار بوده است. در این راستا سفر رئیس کنگره یهودیان اروپا به فنلاند (۲۰۰۶) و اسلونی (۲۰۰۸) با توجه به مستند بودن آنها قابل ذکر است. در ادامه تاثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران را نمی‌توان به طور قطع روابطی علی و معلولی دانست زیرا علی‌رغم همه تلاش‌هایشان در برخی موارد نظیر روند گفتگوهای انتقادی، سازنده و توافق برجام ناکام بوده‌اند اما در موارد زیادی نهادهای لابی اسرائیل توانسته‌اند در جهت کاهش روابط ایران و اتحادیه اروپا در قالب اعمال تحریم اقتصادی و نظامی، اقدامات محدودکننده، تداوم لحن انتقادی، عدم انعقاد موافقت‌نامه تجاری یا جامع، پرهیز مقامات اروپایی از سفر به ایران تاثیرگذار باشند. شایان ذکر است اتحادیه اروپا همواره حساسیت ویژه‌ای به ارزش‌های دموکراسی و لیبرالی داشته و موضوعاتی نظیر تهدید وجودی دولت‌ها علیه یکدیگر و اشاعه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی از خطوط قرمز اتحادیه اروپا محسوب می‌شود اما نهادهای لابی در تسریع تصمیم‌گیری پارلمان اروپا علیه ایران به منظور کاهش گسترش روابط ایران و اتحادیه اروپا بسیار موفق عمل کرده‌اند. این گونه تبیین می‌گردد نهادهای حامی منافع اسرائیل در اتحادیه اروپا به طور مداوم و سیستماتیک با استفاده از محورهای اختلاف ایران و اتحادیه اروپا نظیر فعالیت برنامه هسته‌ای ایران به مثابه‌ی تهدید، توانسته‌اند در افزایش تداوم لحن انتقادی اتحادیه اروپا، شدت اعمال تحریم‌های اقتصادی-تجاری و اقدامات محدودکننده علیه ایران تاثیر داشته باشند. با توجه به پژوهش‌های انجام شده در این مقاله، فعالیت‌های نهادهای لابی اسرائیل علیه ایران در اتحادیه اروپا به طور جدی از سال ۲۰۰۳ با برنامه‌ریزی نشستی در پارلمان اروپا توسط نهاد دوستان اروپایی اسرائیل آغاز و متمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران بود در حالی که این نهاد به طور رسمی در سال ۲۰۰۶ تاسیس گردید. این موضوع نشان می‌دهد، گروه دوستان اروپایی اسرائیل فعالیت‌های خود را در قالب متوقف ساختن برنامه هسته‌ای ایران و پیشنهاد اعمال تحریم‌های شدیدتر بر ایران پیش از تاسیس رسمی آغاز کرده‌اند. قابل ذکر است نهاد دوستان اروپایی اسرائیل، یکی از پرقدرت‌ترین نهادهای لابی اسرائیل علیه ایران در اتحادیه اروپا می‌باشد که همواره با آپیک مقایسه شده است. در این پژوهش بعد از وقوع فعالیت نهادهای لابی اسرائیل علیه برنامه هسته‌ای ایران می‌توان افزایش شدت اعمال

تحریم و تداوم لحن انتقادی اتحادیه اروپا علیه ایران را مشاهده نمود. افزایش تحریم‌های نظامی، اقتصادی و تجاری ایران از سوی اتحادیه اروپا با شروع تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپا از سال ۲۰۰۶ همزمان با فعالیت جدی نهادهای لابی اسرائیل علیه سیاست‌های ایران در اروپا قابل استناد است. تحریم‌های مستقل اتحادیه اروپا علیه ایران در سال ۲۰۰۶ (حوزه نظامی-دفاعی)، سال ۲۰۰۷ (حوزه نظامی-دفاعی و الکترونیکی)، سال ۲۰۰۸ (حوزه نظامی-دفاعی، الکترونیکی و صنعتی)، سال ۲۰۰۹ (حوزه نظامی-دفاعی، الکترونیکی، صنعتی و اقتصادی-تجاری) اعمال شد. اینگونه استنباط می‌شود که گستردگی تحریم‌های اتحادیه اروپا نسبت به سال ۲۰۰۶ بیشتر شده است، تا جایی که در سال‌های بعد حوزه‌های علمی و فرهنگی نظیر دانشگاه‌های شهید بهشتی (۲۰۱۱) و صنعتی شریف (۲۰۱۴) را نیز در بر گرفت. بدین‌گونه تبیین می‌شود با توجه به شروع فعالیت نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا، شدت و گستردگی تحریم علیه ایران افزایش یافته است. به عنوان تحلیل و ارزیابی به چند مورد از اعمال تحریم ایران از سوی اتحادیه اروپا با توجه به زمان فعالیت‌های لابی‌گیری اسرائیل در اتحادیه اروپا و متعاقباً تحریم ایران اشاره می‌شود. به نظر می‌رسد نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا در افزایش شدت تحریم‌های اعمال شده بر ایران تأثیر داشته است. نمونه‌ای از فعالیت‌های لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا، برگزاری کنفرانسی با عنوان تحریم‌های اقتصادی علیه ایران با میزبانی دوستان اروپایی اسرائیل در تاریخ ۷ مارس ۲۰۰۷ می‌باشد که هدف این کنفرانس جلب اکثریت آراء و متقاعد نمودن اعضای پارلمان اروپا به اعمال تحریم‌های خشن‌تر علیه ایران بود. متعاقباً چند روز بعد از کنفرانس مذکور افزایش تحریم‌های اتحادیه اروپا در ۲۴ مارس و ۲۳ آوریل ۲۰۰۷ بر ایران اعمال شد. همچنین استدلال می‌شود در سفر رئیس سابق کنگره یهودیان اروپا به اسلونی در ۸ آوریل ۲۰۰۸، طی ملاقاتی با مقامات بلندپایه اسلونی، تحریم اقتصادی اعمال شده بر ایران را کافی ندانست و معتقد بود کلیه ارتباطات اقتصادی-تجاری با ایران باید به طور کامل قطع شود تا نتواند غنی‌سازی اورانیوم را انجام دهد. جالب است یک روز بعد از این سفر (۹ آوریل) لایحه‌ای مبنی بر ارتقاء روابط دو جانبه اسرائیل و اتحادیه اروپا تصویب شد و همچنین تصمیم شورای وزیران اتحادیه اروپا در لوگزامبورگ (ژوئن ۲۰۰۸) تأکید بر ارتقاء روابط اسرائیل و اتحادیه اروپا

در فاز گسترده‌تری شکل گرفت. از سوی دیگر تحریم‌های اقتصادی شدیدتری از سوی اتحادیه اروپا بر ایران، ژوئن ۲۰۰۸ اعمال گردید و برقراری روابط گسترده با ایران را منوط به شفافیت و اعتمادسازی برنامه هسته‌ای ایران دانست. از این رو با توجه به نتایج جلسات مداوم بین لابی‌گران صهیونیسم و اتحادیه اروپا می‌توان به امضای موافقت‌نامه‌ی طرح اتحادیه برای مدیران^۱ در تاریخ ۱۳ جولای ۲۰۰۸ با اسرائیل اشاره نمود و با امضای چنین موافقت‌نامه‌ای نمی‌توان از فعالیت نهادهای لابی چشم‌پوشی نمود (Pardo, 2009: 26-43).

در ادامه بیانیه‌ی رئیس کنگره یهودیان اروپا مبنی بر مخالفت با هر گونه رفع تحریم اقتصادی و نظامی علیه ایران در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ و تصویب اعمال تحریم‌های اقتصادی و نظامی علیه ایران توسط پارلمان اروپا در همان روز با توجه به مستندات قابل تامل است. همچنین قطعنامه‌ی پارلمان اروپا در ۲ فوریه ۲۰۱۲ با شماره P7_TA(2012)0024 علیه برنامه هسته‌ای ایران که دقیقاً یک روز بعد از برگزاری نشست دوستان اروپایی اسرائیل در پارلمان اروپا با محوریت پیامدهای برنامه هسته‌ای ایران تصویب شد مثال دیگری می‌تواند باشد که تاثیر لابی‌گری اسرائیل علیه ایران را تبیین می‌کند. مورد دیگری که فاصله زمانی کمی بین فعالیت لابی‌گران اسرائیل علیه ایران و تحریم ایران از سوی اتحادیه اروپا وجود داشته، نشستی با میزبانی بنیاد اروپایی برای دموکراسی در تاریخ ۴ دسامبر ۲۰۱۳ در پارلمان اروپا با محوریت تاثیر تحریم‌های شدید بر ایران بود که شورای اروپا، تحریم‌های گسترده‌ای علیه فعالیت هسته‌ای ایران در تاریخ ۱۶ دسامبر ۲۰۱۳ تصویب نمود. واضح است افزایش شدت تحریم ایران از سوی اتحادیه اروپا و برقراری روابط گسترده با ایران منوط به شفافیت و اعتمادسازی برنامه هسته‌ای ایران، از طرف دیگر ارتقاء روابط گسترده اسرائیل و اتحادیه اروپا در پیرامون یک تاریخ معین قابل اغماض نیست. به نظر می‌رسد یک رابطه‌ی مستقیم بین کاهش روابط دیپلماتیک و اقتصادی ایران-اتحادیه اروپا و افزایش روابط سیاسی و اقتصادی اسرائیل-اتحادیه اروپا وجود دارد زیرا هنگامی ایران و اتحادیه اروپا در پایین‌ترین سطح روابط سیاسی بوده‌اند مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های تجاری - اقتصادی و سیاسی بین آن دو اجرایی شده است. نمونه‌ی دیگری که می‌توان تاثیر لابی اسرائیل را بر

افزایش شدت تحریم علیه ایران تبیین کرد پیشنهاد رئیس کنگره یهودیان اروپا مبنی بر تحریم صنعت نفتی ایران طی ملاقات با وزیران خارجی اتحادیه اروپا در تاریخ ۲ دسامبر ۲۰۱۱ بود که این طرح توسط اکثریت اعضای پارلمان اروپا مورد تصویب واقع نشد زیرا رویکرد اتحادیه اروپا به منطقه ارتباط مستقیمی با چالش و منافعش دارد و به گونه‌ای بخش اصلی ثبات، امنیت و پیشرفت اتحادیه اروپا با تحولات خاورمیانه تحت تأثیر قرار دارد (Ahmadi Lafuraki, 2019). منطقه خاورمیانه برای اروپا منافع اقتصادی، سیاسی فراهم می‌آورد و منافع اقتصادی در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل، خدمات، منابع مالی و تجاری را شامل می‌شود (Sazmand, 2019).

نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا طی ملاقات‌های مداوم با مقامات بلند پایه اروپایی و نشست‌هایی با روسای پارلمان و کمیسیون اروپا با طرح موضوعات مرتبط با ایران نظیر تهدید برنامه هسته‌ای ایران، خواستار اعمال تحریم‌های اقتصادی شدیدتر از سوی اتحادیه اروپا علیه ایران بوده‌اند. قابل توجه است با آنکه پیشنهاد رئیس کنگره یهودیان اروپا مبنی بر بایکوت نفت ایران مورد تصویب اتحادیه اروپا واقع نشد اما فاز چهارم تحریم از سوی اتحادیه اروپا از ژانویه ۲۰۱۲ با مجموعه جدیدی از تحریم‌های غیرمترقبه (ممنوعیت نفتی) بر ایران اعمال شد و شروع پیشنهاد اعمال تحریم نفتی ایران از سوی اتحادیه اروپا تقریباً کمتر از یک ماه اجرایی شد و این نشان می‌دهد که پیشنهاد لابی‌گران اسرائیل مبنی بر فشار حداکثری علیه ایران بعد از کمی بررسی و بازنگری تصویب شد. شایان ذکر است دیوید کرونین در کتاب لابی اسرائیل و اتحادیه اروپا^۱ این تحریم را نمونه‌ای از تأثیرات لابی اسرائیل علیه ایران در اتحادیه اروپا می‌داند. همچنین رئیس کنگره یهودیان اروپا بیانیه‌ای را در قالب فراخوان به همه مقامات اروپایی از جمله مارتین شولز، رئیس پارلمان اروپا در ۲۲ اکتبر ۲۰۱۲ ارسال کرد. در این بیانیه سفر مقامات اروپایی به ایران را تحریم کرد زیرا سفر مقامات ارشد اروپایی به ایران و ملاقات با مقامات بلندپایه ایرانی را به منزله ایجاد مشروعیت در تهدید صلح و امنیت جهانی می‌پنداشت. این گونه استدلال می‌کرد که ملاقات با مقامات ایرانی، مشروعیت برای فعالیت هسته‌ای آنها ایجاد می‌کند و این در حالی است که ایران تهدید وجودی در منطقه است و باید در انزوای کامل قرار گیرد. از سوی دیگر

یکی از مهم‌ترین موافقت‌نامه اسرائیل با اتحادیه اروپا به نام ارزیابی انطباق و پذیرش صنعتی^۱ در اواخر اکتبر ۲۰۱۲ اجرایی شد مهم‌ترین تاثیر این توافق این است که استانداردهایی که برای برخی کالاها در اسرائیل بکار برده می‌شوند توسط مقامات اتحادیه اروپا مورد تایید قرار می‌گیرند. هانو تاکولا، لیبرال فنلاندی و عضو پارلمان اروپا نقش دوستان اروپایی اسرائیل در تحقق این موافقت‌نامه بسیار مثرتر دانست (Cronin et al, 2016:52).

البته شایان ذکر است از زمان ارسال بیانیه موشه کانتور رئیس کنگره یهودیان اروپا، مقامات بلند پایه اروپایی از سفر ایران تا آگوست ۲۰۱۵ خودداری نمودند. هر چند در دوره هشت ساله ریاست جمهوری آقای محمود احمدی نژاد، سفر مقامات اروپایی به ایران (به جز در تاریخ ۷ دسامبر ۲۰۰۷ به علت دومین جلسه بین پارلمانی میان پارلمان اروپا و مجلس) صورت نپذیرفت اما تاثیر بیانیه کنگره یهودیان اروپا در قالب فراخوان به همه مقامات اروپایی و سازماندهی کمپینی در اروپا به عنوان یکی از مهم‌ترین لابیگران فعال علیه ایران در اتحادیه اروپا قابل انکار نیست. در نشست‌های سازماندهی شده توسط نهادهای لابی اسرائیل در پارلمان اروپا با حضور اعضای پارلمان و جلب آراء آنها، کنفرانس‌های متعددی با بازنمایی تهدید برنامه هسته‌ای ایران و افزایش فشار بر ایران در قالب افزایش شدت تحریم اقتصادی-تجاری برگزار شده است. همچنین ملاقات حضوری با مقامات بلندپایه اروپایی و بحث پیرامون خطرات دور تسلسل هسته‌ای در منطقه، فراخوان و ارسال بیانیه به کلیه مقامات اروپایی در راستای امتناع از رفع تحریم‌های اقتصادی ایران و کمپین‌هایی در سراسر اروپا در جهت فشار تحریم‌های اقتصادی و نظامی بر ایران، تا حدود زیادی توانسته‌اند چهره ایران را در عرصه بین‌الملل به عنوان تهدیدی وجودی بازتولید کنند. این دسته از فعالیت‌ها با هدف افشاسازی برنامه هسته‌ای ایران، موجب شده تا نفوذ و گسترش لابی اسرائیل علیه ایران در اتحادیه اروپا مسیر پرشتابی را در جهت دستیابی به منافع خود در پیش گیرد. لابی اسرائیل با بزرگ‌نمایی فعالیت برنامه هسته‌ای ایران به مثابه‌ی کابوس بمب هسته‌ای، ایران را به عنوان تهدید وجودی در منطقه نشان می‌دهد. در عین حال اتحادیه اروپا در قطعنامه‌ها و بیانیه‌های فوق‌الذکر، رفتار ایران در منطقه را به علت تداوم فعالیت برنامه

1. Agreement on Conformity Assessment and Acceptance of Industrial Products, ACAA

هسته‌ای محکوم می‌کند و از کلمه تهدید وجودی در قالب تهدید موجودیت اسرائیل نام می‌برد و این نشان دهنده آن است که اتحادیه اروپا، ایران را به عنوان تهدیدی علیه اسرائیل در منطقه پذیرفته است. نهادهایی نظیر دوستان اروپایی اسرائیل و کنگره یهودیان اروپا از مهم‌ترین نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا هستند که در تسهیل و تسریع تصمیم‌گیری‌های پارلمان اروپا بر افزایش اعمال تحریم‌های مالی و اقتصادی، اقدامات محدودکننده علیه ایران نقش داشته‌اند که متعاقباً تحریم‌های شدیدتر، عدم گسترش روابط سیاسی و اقتصادی، تداوم لحن انتقادی در قالب قطعنامه و بیانیه، عدم انعقاد موافقت‌نامه همکاری تجاری یا جامع و کاهش سفرهای مقامات ارشد اتحادیه به ایران را در بر داشته است. نکته قابل توجه این است که نهادهای لابی اسرائیل علیه ایران در اتحادیه اروپا سبب افزایش شدت و تعداد تحریم‌های اقتصادی و نظامی، اقدامات محدودکننده، افزایش شدت و تعداد لحن انتقادی علیه ایران در راستای کاهش روابط دیپلماتیکی و اقتصادی نیز شده است.

۶. نتیجه‌گیری

در این تحقیق سعی شده تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا را با تأکید بر برنامه هسته‌ای ایران بررسی گردد. هدف از این پژوهش بررسی نفوذ و تأثیر نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا به ویژه پارلمان اروپا به منظور کاهش روابط ایران و اتحادیه اروپا با تمرکز بر برنامه هسته‌ای ایران می‌باشد. نهادهای فعال لابی اسرائیل علیه ایران همواره پارلمان اروپا را به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان تصمیم‌گیری اتحادیه اروپا مورد هدف قرار داده‌اند. در این تحقیق برنامه هسته‌ای ایران به لحاظ ماهیت امنیتی بیش‌ترین میزان تأثیر را بر کاهش روابط سیاسی ایران و اتحادیه اروپا داشته و به ویژه نهادهای لابی اسرائیل بیش‌ترین فعالیت خود را در این کاهش داشته‌اند. تأثیر لابی اسرائیل بر روابط ایران و اتحادیه اروپا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران را نمی‌توان به طور قطع روابطی علی و معلولی قلمداد کرد زیرا علی‌رغم همه تلاش‌هایشان در برخی موارد نظیر توافق برجام ناکام بودند اما در موارد زیادی نهادهای لابی اسرائیل توانسته‌اند در جهت کاهش روابط ایران و اتحادیه اروپا در قالب اعمال تحریم اقتصادی و نظامی، اقدامات محدودکننده، تداوم لحن انتقادی، عدم انعقاد موافقت‌نامه تجاری، پرهیز مقامات اروپایی از سفر

به ایران تاثیرگذار باشند. شایان ذکر است همواره اتحادیه اروپا نسبت به موضوعاتی نظیر ارزش‌های دموکراسی-لیبرالی و اشاعه‌ی سلاح‌های کشتار جمعی از حساسیت خاصی برخوردار بوده و به نوعی خطوط قرمز اتحادیه اروپا محسوب می‌شود اما نهادهای لابی در تسریع تصمیم‌گیری پارلمان اروپا علیه ایران به منظور کاهش گسترش روابط ایران و اتحادیه اروپا بسیار موفق عمل کرده‌اند. طبق بررسی‌های انجام شده با توجه به فعالیت نهادهای لابی در اتحادیه اروپا علیه ایران از سال ۲۰۰۳، به تدریج هر ساله شدت و گستردگی تحریم اتحادیه اروپا علیه ایران افزایش می‌یابد. آنچه قابل انکار نیست آنکه برقراری روابط گسترده‌ی اتحادیه اروپا با ایران منوط به شفافیت و اعتمادسازی برنامه هسته‌ای و ارتقاء روابط گسترده اسرائیل و اتحادیه اروپا به موازات هم می‌باشد. به نظر می‌رسد یک رابطه‌ی مستقیم بین کاهش روابط دیپلماتیک و اقتصادی ایران-اتحادیه اروپا و افزایش روابط سیاسی و اقتصادی اسرائیل-اتحادیه اروپا وجود دارد زیرا هنگامی ایران و اتحادیه اروپا در پایین‌ترین سطح روابط سیاسی بوده‌اند مهم‌ترین موافقت‌نامه‌های تجاری-اقتصادی و سیاسی بین آن دو اجرایی شده است. نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا، فعالیت‌های مستمر خود را با برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی با محوریت تهدید هسته‌ای ایران، ملاقات حضوری با مقامات بلند پایه اروپایی و نشست‌هایی با روسای پارلمان و کمیسیون اروپا با موضوع اعمال تحریم‌های اقتصادی شدیدتر بر ایران، فراخوان صدور بیانیه در قالب منع سفر مقامات اروپایی به ایران، کمپین‌های سیاسی علیه رفع تحریم ایران در راستای منافع اسرائیل پیش می‌برند. لابی اسرائیل با بزرگ‌نمایی فعالیت برنامه هسته‌ای ایران به مثابه‌ی کابوس بمب هسته‌ای، ایران را به عنوان تهدید وجودی در منطقه و عامل بی‌ثباتی نشان می‌دهد. اتحادیه اروپا در قطعنامه‌ها و بیانیه‌های مصوب خود، رفتار ایران در منطقه را به علت یهودستیزی، تداوم فعالیت برنامه هسته‌ای و تهدید اسرائیل محکوم می‌کند و از کلمه تهدید وجودی در قالب تهدید موجودیت اسرائیل نام می‌برد و این نشان دهنده آن است که اتحادیه اروپا، ایران را به عنوان تهدیدی علیه اسرائیل در منطقه پذیرفته است. نهادهایی نظیر دوستان اروپایی اسرائیل و کنگره یهودیان اروپا از مهم‌ترین نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا هستند که در تسهیل و تسریع تصمیم‌گیری‌های پارلمان اروپا بر افزایش اعمال تحریم‌های مالی و

اقتصادی، اقدامات محدودکننده علیه ایران نقش داشته‌اند که متعاقباً تحریم‌های شدیدتر، عدم گسترش روابط سیاسی و اقتصادی، تداوم لحن انتقادی در قالب قطعنامه و بیانیه، عدم انعقاد موافقت‌نامه همکاری تجاری یا جامع و کاهش سفرهای مقامات ارشد اتحادیه به ایران را در بر داشته است. نکته قابل توجه این است که نهادهای لابی اسرائیل علیه ایران در اتحادیه اروپا سبب افزایش شدت و تعداد تحریم‌های اقتصادی و نظامی، اقدامات محدودکننده، افزایش شدت و تعداد لحن انتقادی علیه ایران در راستای کاهش روابط دیپلماتیکی و اقتصادی نیز شده است. به هر حال نهادهای لابی اسرائیل در اتحادیه اروپا تهدید برنامه هسته‌ای ایران را عامل اشاعه‌ی دانش تسلیحات هسته‌ای به دولت‌های دیگر، حملات تروریستی و بمب‌گذاری انتحاری علیه اروپا و نابودی دموکراسی‌های لیبرال توصیف می‌کردند و آنچه مسلم است اسرائیل ایران را فقط عامل بی‌ثباتی در خاورمیانه نمی‌داند بلکه تهدیدی وجودی برای منطقه، اروپا و سراسر جهان می‌داند و تلاش خود را در جهت اشاعه‌ی ایران هراسی در اروپا داشته است. نکته‌ی دیگری که قابل ذکر است اینکه همواره لحن انتقادی اتحادیه اروپا علیه برنامه هسته‌ای ایران در قالب قطعنامه، بیانیه و سخنرانی‌های مطبوعاتی وجود داشته و با اعمال تحریم‌های اقتصادی و اقدامات محدودکننده علیه ایران از سوی اتحادیه اروپا به نوعی روابط دیپلماتیک، سیاسی و اقتصادی کاهش می‌یافت. نهادهایی نظیر دوستان اروپایی اسرائیل و کنگره یهودیان اروپا بیش‌ترین تأثیر را در تسهیل و تسریع تصمیم‌گیری‌های اتحادیه اروپا علیه ایران در قالب اعمال تحریم، اقدامات محدودکننده و تداوم لحن انتقادی، عدم انعقاد موافقت‌نامه تجاری و منع سفر مقامات ارشد اروپایی به ایران داشته‌اند. لابی اسرائیل با بزرگنمایی تهدید ایران توانسته این ادراک را برای همه اروپاییان تصویرسازی نماید که ایران با دستیابی سلاح هسته‌ای تهدیدی برای همه جهانیان است.

۷. قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از اساتید روابط بین‌الملل واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی و سردبیر محترم فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک سپاسگزاری نمایند.

References

1. Ahmadi Lafuraki, B.(2019). Return to Geopolitics: Evolution of EU Policies towards the MENA and its Implications for Iran. *Geopolitics Quarterly*, Vol:14, No.3.
2. AJC Transatlantic Institute: www.transatlanticinstitute.org/press/release/ajc-welcomes-tough-grilling-iranian-parliamentarians-european-parliament
3. AJC Transatlantic Institute: www.transatlanticinstitute.org/press/release/ajc-welcomes-mep-letter-calling-eu-list-entire-hezbollah-terror-group.
4. AJC Transatlantic Institute www.transatlanticinstitute.org/analysis/hezbollah-terrorist-organization-and-threat-europe
5. AJC Transatlantic Institute: www.transatlanticinstitute.org/event/european-parliament-hearing-iran-and-containment-trap
6. Alcaro, R (2008). (2018). Europe and Iran's Nuclear Crisis. Publication: PALGRAVE.DOI: 10.1007/978-3-319-74298-4
7. Argano, M. E (2018). The Iranian Nuclear Deal : the Challenge of the European Union. *EYES ON EUROPE*, 2 December.
8. Ashley, S.P (2012). The Iranian Nuclear Program:Realist vs. Constructivist Model. E-International Relations Publisher.
9. Barzgar, K; Others.(2018). Recent Development of Arabs, Power Balancing and New Regional Group in Middle East, *Geopolitics Quarterly*, Vol:14, No.4. **[In Persian]**
10. Catherin Ashton High Representative /Vice President Statement on Iran, (19.Jan.2010). www.europa.eu/press-release_SPEECH-10-4_EN.
11. Cook, J. (2008). *Israel and the Clash of Civilizations*. London: Pluto Press. DOI: 10.2307/j.ctt18fs4kq.
12. Cronin, D; Marusek, S; Miller, D. (2016). *the Israel Lobby and European Union*. Glasgow, Publication: Public Interest Investigation. <http://dx.doi.org/10.1080/0031322X.2014.965877>.
13. Declaration by the presidency on the behalf of EU on recent anti-Israeli Statements.PRESS RELEASE database, 25.Jan.2008: www.europa.eu/rapid/press-release_PESC-08-23-EN.
14. Declaration by the presidency on the behalf of EU On Recent anti-Israeli Statements : Europa.eu/rapid/press-release_PESC-08-23
15. EFD-European Foundation for Democracy. Jobs.euractive.com/company/efd-european-foundation-democracy-427.
16. EJC calls Sanctions Resolution last chance for a peaceful resolution to the Iranian NUCLEAR Program , JUNE, 2010: eurojewcong.org/ejc-in-action/Statements.
17. EJC Calls the Iran Nuclear Deal A Prize for Radicalism and a Western Surrender. Jul.2015: eurojewcong.org/ejc-in-action/Statements.
18. EJC delegation met with EU Leadership to discuss Iranian Nuclear Threat

- and EU-Israel Relations, Jul.2013: [eurojewcong.org/ejc-in-action/ Events & Meetings](http://eurojewcong.org/ejc-in-action/Events%20&%20Meetings).
19. EJC DENOUNCES Iranian President's Participation in UN Conference , June.2008 : [eurojewcong.org/ejc-in-action/ Statements](http://eurojewcong.org/ejc-in-action/Statements).
 20. EJC Executive meets with EU Presidency to discuss Duban II, Anti-Semitism in Europe and Iranian Threat, March,2009: [eurojewcong.org/ejc-in-action/ Events](http://eurojewcong.org/ejc-in-action/Events) EJC Office Opens in Brussels with Iran high on the agenda, Oct.2009: [eurojewcong.org/ejc-in-action/ Events & Meetings](http://eurojewcong.org/ejc-in-action/Events%20&%20Meetings).
 21. EJC General Assembly in Vienna –Jewish Communities in Europe Mobilize against Iranian President ,Feb. 2006 : [eurojewcong.org/ejc-in-action/ Events & Meetings](http://eurojewcong.org/ejc-in-action/Events%20&%20Meetings).
 22. EJC Meets with Russian President Vladimir, Oct.2007: [eurojewcong.org/ejc-in-action/ Events & Meetings](http://eurojewcong.org/ejc-in-action/Events%20&%20Meetings).
 23. EJC President calls on European Leader's to Think Long Term and Impose Sanctions on Iran's Oil Industry, Dec.2011: [eurojewcong.org/ejc-in-action/ Statements](http://eurojewcong.org/ejc-in-action/Statements).
 24. Eslami, M; Others. (2019). Geopolitical Security Environment of Israel and Its Identical Policy. *Geopolitics Quarterly*, Vol:14, No.4.
 25. EU Approach towards IRAN , European Parliament resolution: 10 March 2011: [www.europal.europa.eu/sides/getdoc.do?type P7_TA\(2016\)0096](http://www.europal.europa.eu/sides/getdoc.do?type=P7_TA(2016)0096)
 26. EU Strategy towards Iran after Nuclear Agreement: European Parliament resolution:26 Oct.2016: [www.europal.europa.eu/doceo/document/ P8_TA \(2016\)0402](http://www.europal.europa.eu/doceo/document/P8_TA(2016)0402).
 27. European Parliament Resolution: A7_0037/2011 www.europarl.europa.eu/sides/getDoc European Coalition for Israel, [http:// www. ec4i.org/donate](http://www.ec4i.org/donate).
 28. European Foundation for Democracy, EFD' Events in 2011: Europeandemocracy.eu/2012/01/efd-events-2011.
 29. European Foundation for Democracy, EFD' Events in 2011: Europeandemocracy.eu/2012/01/efd-events-2011. European foundation for democracy: www.europeandemocracy.eu.
 30. European Jewish Communities Mobilize against Iran, Nov.2005: [eurojewcong.org/ejc-in-action/ Events & Meetings](http://eurojewcong.org/ejc-in-action/Events%20&%20Meetings).
 31. European Jewish Congress calls the European Parliament's roadmap for relations with Iran a massive missed opportunity, Oct.2016: [eurojewcong.org/ejc-in-action/ Statements](http://eurojewcong.org/ejc-in-action/Statements).
 32. European Parliament resolution of 31 January 2008 on Iran: www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?pubRef=-//EP//TEXT+TA+P6-TA-2008-0031+0+DOC+XML+V0//EN.
 33. Hafeznia, M.R; Others.(2014). Tension and Conflict Theories between Countries: Review, Critique and Presenting a Theoretical Model. *Geopolitics Quarterly*, Vol:9, No.4.

34. Katzman, Kenneth.(2019). Iran Sanction.Congressional Research Service. RS20871.
35. Motion for a Resolution.(2006). www.europarl.europa.eu/sides/getDoc.do?pubRef=-//EP//TEXT+MOTION+B6-2006_0106+0+DOC+XML+V0//EN&language=EN.
36. Nili, Sh (2011). The Nuclear and Holocaust: Israel, Iran and Shadows of Auschwitz. *Journal of Strategic Security*, No.1, Volume 4, Spring.DOI: <http://dx.doi.org/10.5038/1944-0472.4.1.3>.
37. Nugroho, G (2008). *Constructivism and International Relations Theories*. Semantic Scholars.
38. Osborne, P. (2012). Conservative Friends of Israel. *The Telegraph*, 12 December.
39. Pardo, Sh. (2009). *Uneasy Neighbors: Israel and European Union*. Publication: Lexington Books.
40. Sanctions Tally–European Union, Iran-Watch: www.iranwatch.org/sanctions/european-union.
41. Sazmand, B; Kavianfar, P. (2017). European Interstate Initiatives before and after Resolution of Nuclear Issue. *Geopolitics Quarterly*, Vol:12, No.4.
42. Seeberg, P (2016). The EU and International Sanctions against Iran. *Palgrave Communications* 2, No. 16080.
43. Statement by High Representative Catherine Ashton on Iran,European Union, 21.May.2010.
44. Statement by High Representative Catherine Ashton on Iran: Europa.eu/rapid/press-release_EU/A85/10.
45. Statement European Parliament on Iran: Europa.eu/rapid/press-release_SPEECH-10-4.
46. Stockholm International Peace Research Institute, (Fars News,17.June .(2019). www.farsnews.ir/news/13980327000985).
47. Wendt, A. (1999). *Social Theory of Interational Politics*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511612183> www.Transatlanticinstitute.org/?page_id=11.
48. Yildiz, U.B. (2014). the Influence of the European Friends of Israel on the Members of the European Parliament. *ALTERNATIVES Turkish Journal of International Relations*, Vol.13, No.4
49. Yousefjoibari, M.(2015). Effective Components in EU Approach on Iran in 10th Administration. *Policy Quarterly*, No.2, Vol:2. **[In Persian]**